

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

سیاوش آزاد  
۱۴ جون ۲۰۱۸

## تواب ها در افغانستان کی ها اند؟

واژه توصیفی تواب به معنی پشیمان، نادم و توبه کننده از اسم مصدر «توبه» به مفهوم پشیمانی، ندامت، بازگشتن از گناه و وعده عدم تکرار چیزی؛ در فرهنگ سیاسی به افرادی گفته می شود که به هر دلیلی از راه و رسم سیاسی و مبارزاتی برگشته و به عدم تکرار و یا تداوم آن رسیده اند. هرچند این صفت در مورد پیروان از راه برگشته کلیه مرام ها، مکتب ها و مسلک ها کاربرد عام دارد، ولی در این مختصر تحت عنوان تواب ها، افراد نادم قبلاً منسوب به تشکل های جنبش انقلابی افغانستان مورد نظر اند که از سلک و مرام انقلابی برگشته و به خیل توابان پیوسته اند.

این ها آن عده از افرادی اند که مدتی را در جریان دموکراتیک نوین، گروه ها و سازمان های انقلابی در گذشته بنابر جو و فضای مساعد آن زمان سپری نموده و پس از گذشت زمانی، با رسالت و راه و رسم انقلابی وداع گفته اند. تحت نام توابان، طیف و سיעی از افراد نادم چپ جای می گیرند، اما تمامی آن ها از نگاه تفکر و کارکرد بعدی، در یک ردیف قرار نمی گیرند و صفت تواب واژه توصیفی شاملی نیست تا مجموعه این تفکر و عملکرد انحرافی رده های این طیف را برتابد. در سرزمین (غرقه در خون ما) که سازمان های مختلف سیاسی فعالیت و مبارزه داشتند. هر شخصی که ادعای دردمندی و رسالتمندی در قبال اوضاع نابسامان کشور و وضع ابتر توده های ستمدیده خلق داشت، بنا به خواست، علاقه فکری و شم سیاسی خویش؛ به این سازمان ها پیوسته بود. تعداد کثیری از این مبارزان تا پای جان بالای آرمان های خود استوار ایستاده و اندر این راه نیز جان های شیرین خود را از دست دادند. جمع کثیری از این روندگان طریقت انقلاب تا هم اکنون در راه تحقق آرمان ها و باور های خود با پیگیری مبارزه می کنند.

تحت عنوان توابان، رده هائی از عناصر وداع کرده با مبارزه انقلابی در کشور و بیرون از آن وجود دارند که همگی از نگاه موضع، تفکر و عملکرد جاری شان در یک ردیف قرار نمی گیرند. کلمه تواب به جز از یک صفت مشترک همه، یعنی پشت کردن به مبارزه، بقیه مواضع فکری و عملی این گروه های تواب منحرف را بازتاب نمی دهد. بناءً، در این مختصر، با طرح مسأله و جدا کردن رده هائی از توابان جنبش چپ کشور، شرح مبسوط موضوع را می گذارم به فرصتی دیگر و قلمی دیگر.

– تعداد زیادی از عناصر تواب، پس از وداع با داعیه انقلابی، به زندگی غیرمبارزاتی روی آورده و بنا به موقف طبقاتی خرده بورژوائی شان، در داخل کشور با فروش نیروی کار شان به عنوان زحمتکشان غیرپرولتری، زنده اند. در این دسته آن عده از تواب هائی نیز شامل هستند که مدت زمانی از سابقه خوب مبارزاتی در داخل کشور برخوردار

بوده اند و پس از شکست ها و ضربت پذیری های وارده از طرف ارتجاع و استعمار، از کشور رخت سفر به خارج بسته اند. این عده با رسیدن به کشور های غربی بهشت گم شده خود را یافته و به آرمان های گذشته خویش پشت نموده و کاری به انقلاب و اعتقادات گذشته خود ندارند.

– عده ای از چپ های دیروز ولی توابعان منحرف امروز، با مسخ کامل ایدئولوژیک، آرمان های انقلابی را که روزگاری به آن موقتاً دل بسته بودند، از موضع ایدئولوژی استعماری – ارتجاعی مورد هتاکی آشکار قرار داده، آن را نادرست قلمداد نموده و خود را در خدمت منافع امپریالیسم و رژیم مرتجع مزدور استعمار قرار دادند. این عده توابع منحرف از همین موضع فکری نوین، دشمنی آشکار شان را با اندیشه های رهائی بخش انسان تحت ستم و استثمار، اعلام داشته و در نهایت در صف دشمنان قسم خورده مردم افغانستان یعنی اشغالگران و مزدوران بومی شان اخذ موقعیت کردند. از داشتن افکار گذشته خویش ندامت کشیدند و از مبارزه توبه نمودند.

– دسته معدود دیگر آن توابعانی اند که از لحاظ فکری دمدمی مزاج و ناپخته که اعتقاد راسخ به آرمان های خود نداشتند. این قماش افراد پس از شکست های وارده و تغییر اوضاع جهانی به نفع ارتجاع – استعمار و طولانی شدن سلطه آن ها، به یأس و دلمردگی دچار گردیدند و به باور ها و ایده آل های ادعائی خود پشت کردند. در این ردیف افرادی هم بودند که با مسخ فکری خویش، سر از گریبان استعمار کشیده و با تاخت و تاز به ارزش ها و ایدآل های قبلی خویش، آن را کهنه، کلاسیک و مندرس نامیدند. این دسته ضمن پشت کردن به راه و رسالت دیروزی، در مقابل چند دالر و یورو به هر معامله ای تن داده، در هر سستیژی ظاهر شده و در مواردی با شیطان نیز همدست شدند. – عده ای از این قماش، ضمن توبه و ارتداد و بی راهه روی، بنا به نیات و انگیزه های ناشریفانه و معامله گرانه تا اخیراً در حرف و ادعا، نام و نسبت خود را به آن سازمان ها، مرام ها و زنده یادان انقلابی کشور یدک کشیده اند و با عشوهِ فروشی در آغوش امپریالیسم و ارتجاع، نان به نرخ روز خورده اند. عده ای از همین توابعان هم در خدمت دستگاه های ضد انقلابی، اشغالگران کشور و رژیم مزدور امریکا – و متحدان آن قرار گرفته اند. این قماش افراد به فریب انقلابیون و مردم خود پرداخته و مستقیم به جنگ آرمان های انقلابی نمی روند، ولی غیر مستقیم و خیلی رندانه در بین صفوف انقلابیون رخنه نموده و افکار معامله گرانه، تسلیم طلبانه و انحرافی خویش را ترویج می دارند.

این عده توابع تسلیم طلب مدعی اند که امپریالیسم امریکا به اساس خواست و فیصله جامعه جهانی و شورای امنیت ملل متحد به افغانستان آمده اند. بناءً هیچ گاهی ما نمی توانیم آن را تجاوز و یا هم اشغال بدانیم و یا این که امریکا اقتصاد پیشرفته جهانی را دارا است. با فئودالیسم در "تج" قرار می گیرد، و این یک امر استثنائی است که انقلابیون افغانستان از این فرصت و اوضاع پیش آمده استفاده اعظمی نمایند. باید در پرتو کار دموکراتیک در صحنه اجتماعی کشور حضور مستقیم حاصل نماییم.

– دسته خطرناک و ریاکاری از این توابعان چهره دوگانه دارند. در حرف سرخ نما، ضد امپریالیست و ضد اشغال اند و شعار هائی هم علیه اشغال کشور سر می دهند، ولی در عمل در جریان همین ۱۶ سال در رکاب اشغالگران دویده و با جاسوسی و خدمت به سازمان های استخباراتی، فکری و غارتگر اشغالگران عمدتاً امریکائی، از لحاظ ثروت و مکنت به فرعون های زمان مبدل شده اند. این دسته از ابتداء تا همین حالا در فعالیت های "ان جی او" نی شریک دزدی و اختلاس اشغالگران بوده اند.

این چند دسته از توابعان منحرف و خودفروش، "ان جی او"، تشکل های سرکاری و گروهک های راجستر شده دولتی به وجود آورده اند و تحت نام آزادیخواهان، دیموکراسی خواهان، همبستگی، "مسئول بازسازی حوزه غرب کشور" و غیره... در خدمت اهداف اشغالگران قرار گرفته اند و عملاً به جاسوسی دولت های غربی می پردازند.

این توابعان تسلیم شده به استعمار و ارتجاع، در انتخابات رژیم مزدور شرکت نمودند، صاحب دفتر، دیوان، موتر و نوکر بوده و نشریه ها و سایتک هائی نیز سرهمبندی نموده اند؛ مقدار پولی هم از طریق سفارت خانه ها و نهاد های اشغالگر غربی، ان جی او ها و لانه های جاسوسی به آن ها می رسد. کنفرانس ها و سیمینار هائی را هم در هتل های شهر کابل تحت عناوین مختلف دائر نموده و خود را صاحب نام و قدرت جلوه می دهند. در رسانه ها و تلویزیون های خادم امپریالیست ها تحت نام کارشناس به مداحی استعمار و سیاست های آن ها می پردازند. مشی مستقل ملی انقلابی و سازمان های انقلابی و کلاً اصل استقلال ملی را مضر و خطرناک به حال کشور دانسته و اظهار می دارند که این خط مشی بود که ما را از جامعه جهانی به تجرید کشانید.

این تعداد توابعان زبون که خودفروشی و هرزگی آن ها اکنون هویدا گردیده است، با وصف خوش خدمتی شان به درگاه اشغالگران به جز از روسیاهی، رسوائی و تجرید از میان مردم دست آورد دیگری ندارند. این ها از جمله خطرناک ترین توابعان در کشور ما به حساب می آیند. عده دیگری از این توابعان مستقیماً به جنگ سازمان ها و شخصیت ها انقلابی نمی روند بلکه با سوء استفاده از نام و راه آنها به فریب بعضی از افراد و اشخاص ناآگاه به عنوان سپاهی لشکر دکان خود می پردازند. این عده که در ظاهر خود را دل سوز به انقلابیون نشان می دهند، از جمله آن عده از افراد ذلیل و پستی اند که به هیچ آئین و راه و رسمی پایبند نیستند برای به دست آوردن پول ولو از هر طریقی که باشد، کوشش می نمایند.

اگر این قماش ادا و اطوار انقلابی بودن دارند، فقط به خاطر فریب دیگران و بی خبران است، بی خبرانی که از پشت کردن، دناوت، مسخ و سیاهکاری این دار و دسته خودفروش ولی متقلب آگاهی ندارند. اینان نمی خواهند ندامت خود را بیان نمایند، بناءً باعث هدر رفتن وقت و انرژی تعدادی از رفقای قبلی که از ارتداد و مرگ سیاسی این قماش اطلاع ندارند گردیده اند. عده ای از رفقای مبارزی که در خارج از کشور و یا هم در داخل از سابقه مبارزات ایشان شناخت داشته اند، به امید این که دو باره رفیق خویش را در راه مبارزه کمک و تنظم بدارند، به این رفقای قبلی خود را نزدیک می نمایند و این باعث ضیاع وقت و زایل شدن انرژی آن عنصر مبارز می گردد. و بدتر از همه برخی از این توابعان مرتد و منحرف بابت اغوای رفقای گذشته خویش ضمن چنگ زدن به اندیشه های انحرافی تروتسکیسم و پست مدرنیسم، بالای زمین و زمان و گذشته خویش ایراد می گیرند؛ رویای عجیبی را در سر می پروراندند که خود هم نمی دانند که چه می گویند؛ عقب ماندگی کشور خودی و پیشرفت کشور های استعماری و صنعتی ایشان را مدهوش نموده است. این ها هم در واقع توابعانی اند که بنا بر عدم صداقت خویش، ندامت خود را بیان نمی دارند. این بی اعتقادی چنین افراد، از آن ها آدم های عقده ئی، جبون، خود خواه و معامله گری ساخته است که از سر ستیز با روندگان استوار انقلابی؛ جایگاه شایسته خود را در معاشرت با تسلیم طلبان مطرود و یا لیبرال های جبون سازشکار می یابند.

دسته ئی از توابعان آن عده از افرادی اند که مدتی را در تشکل های انقلابی به سر برده اند، بعد از گذشت مدتی از طرف باندهای خلق – پرچم دستگیر و روانه زندان گردیده اند. در زندان تاب مقاومت را از دست داده و در همکاری با رژیم مزدور روس ها قرار گرفته اند. پس از رهائی از زندان به پاداش خدمات خود به مقام و منصب رسیده اند. این ها همین اکنون در خدمت رژیم و دستگاه های جاسوسی دولت های غربی قرار دارند. این ها بدون داشتن حد اقل احساس انسانی اکت آدم های فهمیده را می دارند و به قوم گرایی، سمت گرایی و نفاق انداختن در میان مردم تلاش به خرج می دهند تا از آب گل آلود ماهی مراد خود و استعمار را به دست آورند.

– در جمع توابعان کنونی دسته ای از چپ های سابق نیز جای دارند که پس از ارتداد، دنبال اندیشه های منسوخ لیبرالیسم که مدت ها فاتحه اش در غرب خوانده شده است، روان بوده و ضمن سیر در گمراهی افراد مایوس و یا رانده شده از

تشکل های انقلابی را به جلب و جذب می پردازند. اینان در قبال اوضاع رقت بار وطن و مردم کوچکترین احساس ملی را از دست داده و ضمن سازشکاری هم به نعل می زنند و هم به میخ. با خیانت کاران آشکار پیمان می بندند و کار برخی از اینان تا خیانت آشکار ملی و تاریخی پیش رفته است.

۱۸ مارچ ۲۰۱۷